

## آموزش توحید محور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۲) وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (۳) وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ (۴) وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۵) إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۶) فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۷) وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۸) وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۹)

**قال علی (علیه السلام) ضاع من كان له مقصد غیر الله هر که برای او هدفی غیر خدا باشد ضایع شده است. (غررالحکم/ح/۵۹۰۷)**

در بحث قبل بیان شد بایستی با جنبه پایدار انسان‌ها اگر رابطه برقرار شود آن رابطه فقط حقیقی است و تا قیامت رابطه آثار دارد مناسب است نگاهی به وضعیت تربیت در فضاهای آموزشی خودمان و هدف این مراکز داشته باشیم.

سؤال اصلی این است که هدف چیست از تربیت و آموزش قرار است انسان مثلاً فرزند ما به کجا برسد تا ما بعد از رسیدن به آن جایگاه به او افتخار کنیم و مطمئن باشیم که استعدادها را شکوفا کرده باشیم.

یکی از مشکلات ما در حوزه خانواده و هم مراکز آموزشی و تربیتی نامشخص بودن هدف تربیت است معمولاً چشم اندازی واحد وجود ندارد. معمولاً اینطور است وقتی یک مجموعه تربیتی وجود دارد می‌خواهیم ارزیابی کنیم اینها چقدر موفق بودند یا ناموفق افراد گزارش می‌دهند مثلاً در جلسه بزرگی یا جلسه اولیاء مربیان که چه کردند گزارش می‌دهند دانشجویان ما این مقدار طلا و نقره در المپیادهای کشوری گرفتند یا اینمقدار کار هنری کردند یا این مقدار ما حافظ قرآن داریم.

خیلی پدر مادرها آرزویشان این است که فرزندشان موفق شوند سؤال می‌کنیم از پدر و مادر منظورشان از موفقیت چیست؟ چشم‌اندازشان این است که فرزندشان در آینده درآمد خوبی داشته باشد یا جایگاه اجتماعی خوبی داشته باشد؛ مثلاً پزشک خوبی شود در امر تربیت موفق بوده است.

واقعیت این است که همه پدران و مادران دغدغه آنها این است که فرزندان به عالی‌ترین سعادت‌ها و لذت‌ها و خوشی‌ها دست پیدا کنند ما اگر بخواهیم هدف تربیت را مشخص کنیم باید مشخص کنیم عالی‌ترین و لذت‌بخش‌ترین لذت و خوشی که یک انسان (فرزند ما)

نقطه خطر: اگر کشف کنیم چیزهایی بسیار با ارزشمندتر از علم و جایگاه اجتماعی است ما اگر فرزندان را به آن طرف سوق ندهیم و برنامه‌ریزی و اولویت ما نباشد حق فرزندان را رعایت نکردیم و او در ادامه ما را فراموش خواهد کرد.

اولین و اساسی‌ترین نکته‌ای که انبیای الهی در بحث تربیت به ما آموختند فرمودند: ای انسان آن نقطه سعادت و لذت‌بخش‌ترین که باید به سمتش جهت‌گیری کنی یک چیز است و آن لذت انس با خدا و معرفت او در این انس و سفر به سمت عالم ملکوت لذتی و موفقیتی نهفته است که جای دیگر پیدا نمی‌شود و هرچه در دنیا کسب کردی از علم و جایگاه اجتماعی باید در راستای آن جهت‌دهی کنی و اگر در آن راستا اینها را صرف نکردی عمرت به باد رفته است.

## آموزش توحید محور

پس اولین مسئله در تربیت درنگ در این هدف است خیلی از مردم به اشتباه فکر می کنند دعوت دین نسیه است اینجا در دنیا کارهای خوب بکنی جای دیگر در عالم دیگر آنجا بعداً به شما پاداش می دهند باغی است چشمه ای است و... بله عالم دیگری است و حق و صدق است؛ اما دعوت انبیا نسیه نیست؛ بلکه می فرمایند: اگر در همین دنیا اگر درست حرکت کنی همین دنیا لذت ها و موفقیت ها را می چشی واقعاً لذت های معنوی و انس با ملکوت مسیرش باز است و فرمودند همه به سمت او حرکت کنی در اینجا شاخص ارزیابی مراکز آموزشی بایستی عوض شود شاخص این است که دانشجویانی که در این مجموعه ها وارد می شوند چقدر به سمت خدا (پایدارترین حقیقت عالم هستی) رفتند و به او متصل شده که شاخص رفتاری با خدا این است که چقدر اهمیت می دهد به گفتگوی عاشقانه با او (نماز) چقدر با اولیای خدا و اهل بیت (علیهم السلام) که عاشقان خدا هستند چقدر رابطه دارد خلوتش با خدا بیشتر شده یا نه و در رابطه با خلق خدا تشنه خدمت به آنها بی ادعا و بی منت می باشد. آیا منم منم او زیاده تر شده یا تواضعش نسبت به دیگران مخصوصاً پدر و مادر بیشتر شده یا نه لذا همه آن اهداف توهمی مثل علم و قدرت و زیبایی و... اگر کنار این حقیقت نباشند صفرها هستند؛ ولی اگر این هدف و گره خوردن به جنبه پایدار ایجاد شود؛ مانند عدد یک می باشد کنار آن صفرها.

ساقی به نور باده برافروز جام ما  
ما در پیاله عکس رخ یار دیده ایم  
مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما  
ای بی خبر ز لذت شرب مدام ما  
ثبت است بر جریده عالم دوام ما  
هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق

حافظ

عمر که بی عشق رفت هیچ حسابش مگیر  
هر که جز عاشقان ماهی بی آب دان  
آب حیاتست عشق در دل و جانش پذیر  
مرده و پژمرده است گر چه بود او وزیر  
عشق چو بگشاد رخت سبز شود هر درخت  
برگ جوان بردمد هر نفس از شاخ پیر  
هر که شود صید عشق کی شود او صید مرگ  
چون سپرش مه بود کی رسدش زخم تیر

مولانا دیوان شمس تبریزی

بازنگری برنامه های درسی با محوریت ارتقا اشتغال پذیری دانش آموختگان